



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the unique manuscript of " Translation and description Teb al-Qulub " and its stylistics

A. Kamali, Sh. Ardalani*, S.J. Hamidi

Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 19 August 2020
 Reviewed: 21 Septemehr 2020
 Revised: 06 October 2020
 Accepted: 30 November 2020

KEYWORDS

Manuscript, Sheikh Fakhroddin
 Mazhar, Translation and description
 Teb al-Qulub, stylistics, Qajar period.

*Corresponding Author
 ✉ ardalani@iaubushehr.ac.ir
 ☎ (+98 77) 33350172

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Tabat al-Qulub is the work of Sheikh Aladdin Naqshbandi, the last old Naqshbandi of Kurdistan and one of the most famous contemporary writers in the fourteenth century AH. It is a treatise written in 1341 AH. It is written in Arabic and shortly after writing, it was translated and explained in Persian by Sheikh Fakhreddin Mazhar, nicknamed Mazhar al-Islam, which is the basis for studying this study. So far, a manuscript of this book has been introduced. In this article, an attempt has been made to study the stylistic features of Mazhar al-Islam in the translation and description of Tabat al-Qulub in terms of language (morphology and syntax), literature, thought and content.

METHODOLOGY: This research has been done by descriptive-analytical method with the help of library resources.

FINDINGS: The prose of the book, except in the introduction, which is mixed with literary arrays and is accompanied by Arabic phrases - is a relatively simple prose in which the author does not intend to be artistic; But throughout the book, both in the introduction and in the text, the use of Beaufort Arabic words, phrases and combinations is seen.

CONCLUSION: The prose of the book is mature and solid and far from difficult and complex, for this reason and due to the proximity of this work to our time, it does not have special and distinguished stylistic features and since this prose work is accompanied by verses from other poets, It has some features of style. The Arabic compositions and expressions in the book are such that the author's Arabic's blue is evident in the first pages of the book. Testimony to verses and hadiths, numerous poetic and prose evidences, is abundant in it. I see novel industries such as puns, obedience, and derivation in Beaufort's book. So with a comprehensive look, we can look at this manuscript from a linguistic and structural point of view. With the studies done in phonetic, lexical, syntactic and rhetorical systems, we come to the conclusion that Mazhar-ul-Islam has been more interested in expressing the theme than engaging in the art of writing.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5461](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5461)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

معرفی نسخه خطی منحصر بفرد «ترجمه و شرح طب‌القلوب» و سبک‌شناسی آن

آمنه کمالی، شمس‌الحاجیه اردلانی*، سیدجعفر حمیدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: طب‌القلوب، اثر شیخ علاء‌الدین نقشبندی، آخرین پیر نقشبندی کردستان و یکی از نویسندگان بنام معاصر در قرن چهاردهم هجری قمری است. رساله‌ای است که در سال ۱۳۴۱ م.ق. به زبان عربی نوشته شده است و اندکی پس از نگارش، توسط شیخ فخرالدین مظهر، ملقب به مظهرالاسلام به فارسی ترجمه و شرح شد که مبنای مطالعه و بررسی این پژوهش می‌باشد. تا کنون یک نسخه خطی از این کتاب، معرفی شده است. در این مقاله، تلاش گردیده است ویژگیهای سبکی مظهرالاسلام در ترجمه و شرح طب‌القلوب بلحاظ زبانی (صرفی و نحوی)، ادبی و فکری و محتوایی بررسی شود.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با کمک منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

تاریخ دریافت: ۲۹ مرداد ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۵ مهر ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، شیخ فخرالدین مظهر، ترجمه و شرح طب‌القلوب، سبک‌شناسی، دوره قاجار.

* نویسنده مسئول:

ardalani@iaubushehr.ac.ir

۳۳۳۵۰۱۷۲ (+۹۸ ۷۷)

یافته‌ها: نثر کتاب جز در مقدمه که به آرایه‌های ادبی آمیخته و همراه با عبارات عربی است - نثری نسبتاً ساده است که نویسنده در آن قصد هنروری ندارد؛ اما در کل کتاب چه در مقدمه و چه در متن، استفاده از واژه‌ها و عبارات و ترکیبات عربی بوفور دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: نثر کتاب پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و بسبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگیهای خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجاکه این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب بحدی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب، مبرهن است. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد، در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، و اشتقاق در کتاب بوفور بچشم می‌خورد. پس با نگاهی جامع، میتوان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این نسخه خطی نگریست. با بررسیهای انجام‌شده در دستگاه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی به این نتیجه میرسیم که مظهرالاسلام بیشتر درصدد بیان مضمون بوده است تا درگیر شدن در فن‌نویسندگی.

مقدمه

نثر دوره قاجار متأثر از سبک بازگشت ادبی است. «در زمینه نثر از اواخر کار زندیه، قدم‌به‌قدم اصلاحات جزئی و نسبی در سبک نگارش بوجود آمده و نثرنویسی فارسی، بتدریج و تأنی، به سادگی، روانی و پختگی گراییده و تصنع و تکلف تا حدی کمتر شده است» (از صبا تا نیما، آربین‌پور، ج ۱: ص ۵۰). پس از رواج سبک هندی در شعر دوره صفوی، کم‌کم شاعران از آن روی‌گردان شده، به سبک‌های قدیم بازگشتند. «گو اینکه ابتدا به سبک عراقی روی آوردند و اقبال به سبک خراسانی در این بازگشت، بیشتر بود و سپس به سبک خراسانی» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۴۸). در این بین، روی آوردن به نثر مسجع و آهنگین به پیروی از سعدی و دیگر نویسندگان برجسته رایج شد. با اینکه در این عصر، رگه‌هایی از نثر ساده و مرسل رایج بود، نویسندگان هم به پیروی از شعرا، سبک گذشتگان را دنبال کردند و نثرهای مصنوع، متکلف و پیچیده را کم‌کم کنار گذاشتند. این تحول در نثر، آهسته‌تر از تحول در شعر رخ داد و اثر خود را در اواخر دوره قاجار و ظهور نثر جدید فارسی زمان مشروطه، گذاشت. یکی از آثار اواخر دوره قاجار، نسخه خطی ترجمه و شرح طب القلوب مظهرالاسلام است. موضوع کتاب در رابطه با مراحل سلوک و تهذیب قلب از رذایل اخلاقی و یکی از آثار ارزشمند نثر عرفانی در طریقت نقشبندی است.

با همه تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر برای شناسایی و احیای گنجینه‌های مکتوب ایران زمین و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و هزاران کتاب و رساله ارزشمند، احیاء، تصحیح و یا منتشر گشته است؛ هنوز رساله‌ها و کتب خطی بسیاری در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور موجود است که شناخته نشده یا منتشر نگردیده است. ترجمه و شرح طب القلوب، از جمله این آثار ارزشمند است که در قرن چهاردهم هجری نوشته شده است؛ رساله‌ای در مراحل سلوک و تهذیب قلب از رذایل اخلاقی که یکی از آثار ارزشمند نثر عرفانی فارسی در طریقت نقشبندی است. مظهرالاسلام در این رساله به بیان آفتها و امراض قلبی میپردازد و البته راه علاج و درمان آنها را نیز بخوبی نشان میدهد. در این پژوهش علاوه بر معرفی مؤلف و نسخه خطی «ترجمه و شرح طب القلوب»، از منظر سبک‌شناسی، این اثر مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

اهمیت و سابقه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده «ترجمه و شرح طب القلوب» تا کنون به چاپ نرسیده و در مورد معرفی این نسخه خطی و ویژگی‌های آن، کاری انجام نشده است و در مورد خود اثر هم اطلاعات زیادی وجود ندارد. در این تحقیق سعی شده است تا ضمن معرفی این نسخه خطی، مختصات سبکی آن در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی شود. بررسی این نسخه، اندیشه‌های ارزشمند و پرمایه‌ای را در زمینه مسائل عرفانی، اخلاقی، تربیتی و دینی و همچنین نکاتی درخصوص درمان بیماری‌های روحی و جسمی نمایان میسازد.

در ارتباط با رساله ترجمه و شرح طب القلوب، باید گفت تا به حال از منظر سبک‌شناسی آن چنانکه باید و شاید، نگریسته نشده و پژوهشی تحلیلی روی آن صورت نگرفته است. هرچند در پژوهش‌هایی معدود، جنبه‌های دیگر این اثر بصورت محدود، بررسی شده است. برای مثال نویسنده همین مقاله (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «شرح و ترجمه رساله طب القلوب» به معرفی متن عربی طب القلوب و شارح آن شیخ فخرالدین مظهر پرداخته است و همچنین در مقاله دیگری (۱۳۹۸) با عنوان «آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی طب القلوب و قرآن کریم براساس رویکرد بینامتنیت» به این نکته رسیده است که درصد قابل توجهی از کتاب را، تعالیم اخلاقی و عرفانی تشکیل میدهد که

در فرهنگ ایرانی - اسلامی سابقه‌ای گسترده دارد. با توجه به اینکه این اثر تا کنون مورد پژوهش سبک‌شناسانه قرار نگرفته، بررسی آن از نظر ویژگیهای سبکی کاملاً تازگی دارد.

روش مطالعه

این جستار از دیدگاه هدف، پژوهشی بنیادی است و در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها از روش اسنادی یا کتابخانه-ای و از راه فیش‌برداری از متن نسخه خطی بهره برده شده است. از لحاظ روش، این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر انجام شده است. این پژوهش با بررسی تنها نسخه موجود از کتاب ترجمه و شرح طب‌القلوب، صورت گرفته است.

بحث و بررسی

با بررسی سبک‌شناسی و بیان و زبان نویسنده، میتوان به حساسیتهای و علایق نویسنده پی برد و با توجه به اینکه اولین ابزار یک نویسنده برای شناساندن هویت خویش، نوشتن است؛ بررسی نوع نوشته از نظر زبان و بیان و اندیشه، همچنین بیان هدف نویسنده از نگارش کتاب، ویژگیهای فکری یک اثر را مشخص مینماید که بازشناسی سبک شخصی نویسنده را از منظر زبانی، ادبی و فکری و محتوایی بدنبال دارد.

زندگی نامه علاءالدین نقشبندی

بابا مردوخ روحانی، مؤلف تاریخ مشاهیرگرد، درباره محمد نقشبندی مینویسد: «خاتمه پیران نقشبندی از خاندان عثمانی، شیخ علاءالدین فرزند شیخ عمر ضیاءالدین، فرزند شیخ عثمان سراج‌الدین، به سال ۱۲۸۱ ه.ق. در آبادی «ته ویلی» کردستان عراق متولد شد و تحصیلاتش را نزد شیخ محمد قره‌داغی به انجام رسانید و همزمان با اشتغال به تحصیل در سلک مریدان والد ماجدش درآمد و خود را به ریاضت و شب‌زنده‌داری و تقوی و تزکیه نفس، عادت داد و به اخذ اجازه ارشاد نایل آمد» (تاریخ مشاهیر گرد، روحانی: ص ۳۵۱). پس از وفات پدرش، برادرش شیخ نجم‌الدین در «بیاره» بر مسند ارشاد نشست. وی در این زمان به ایران آمد و با برپایی تکیه و خانقاه، به ارشاد سالکان پرداخت و همچنین تأسیس و اداره مدرسه دینی و تأمین مخارج زندگی مدرسان و طلاب را برعهده گرفت. در سال ۱۳۳۷ ه.ق. پس از مرگ برادرش نجم‌الدین به «بیاره» بازگشت و تا پایان حیات خود به خدمت دینی و انسانی خود ادامه داد؛ وی در سال ۱۳۷۲ ه.ق. برابر با نوروز ۱۳۳۳ ه.ش. به دیار باقی شتافت (همان: ص ۳۵۱). شیخ علاءالدین محمد نقشبندی در سال ۱۳۴۱ ق. رساله طب‌القلوب را به زبان عربی در بیان مراحل سلوک و تهذیب قلب از رذایل اخلاق نوشت. چهار سال پس از نگارش رساله، یکی از خلفای شیخ به نام شیخ حسین رمضان الخالیدی، به شرح این رساله به زبان عربی با نام مفتاح‌الغیوب فی شرح طب‌القلوب پرداخت (طب‌القلوب، مظهرالاسلام: ص ۴۷).

در زمان حیات شیخ، یکی از علما و منسوبان شیخ علاءالدین محمد نقشبندی در سقز کردستان، به نام فخرالدین مظهر، ملقب به مظهرالاسلام، به ترجمه و شرح این رساله، به زبان فارسی پرداخت. مأخذ مورد استفاده در این مقاله، نسخه ترجمه و شرح ایشان است (بررسی محتوایی طب‌القلوب، کمالی: ص ۱۱۲). شیخ فخرالدین مظهر، مترجم و شارح نسخه طب‌القلوب، انگیزه ترجمه رساله طب‌القلوب را اینگونه بیان میکند: «چون عبارت آن عربی و فارسی‌دانانی که به زبان عربی آشنایی چندان نداشتند، از موافد فوائد آن بهره حاصل نبود؛ لذا همین احقر

فخرالدین مظهر با نبودن مایه و کمی پایه بمنظور استفاده عموم، خلاصه مطالب آن را به سیاق فارسی درآورد و بعلاوه، محض اتمام فایده و توضیح مقام برحسب اقتضا، فواید دیگر را بر آن افزود و تنظیم آن را بر این نحو مناسب دانستم که در شرح جملات یا جمله و یا اجزای جمله، عین عبارت شیخ مؤلف را قبلاً بنویسم، بعد به ترجمه و شرح آن بپردازم تا موافقت چنین انعام عام و آثار و برکات آن قدوه انام، شامل حال خواص و عوام باشد» (طب القلوب: ص ۱).

در بخش تمهید نسخه به وجوب امر به معروف و نهی از منکر براساس حدیثی از پیامبر (ص) تأکید دارد و آن را دلیلی بر تألیف این رساله از جانب مؤلف میدانند: «بنابراین حضرت رسول دین را نصیحت خوانده و شیخ مؤلف تلویحاً همان حدیث را سبب اقدام خود به تألیف این رساله گردانیده است؛ چنانکه گوید: قال سیدنا و مولانا و حبیب ربنا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الدِّينُ النَّصِيحَةُ» (همان: ص ۵)

شارح، ترتیبی را که مؤلف در تألیف این رساله بکار برده، اینگونه بیان میکند: ترتیبی که شیخ مؤلف در تألیف این رساله بکار برده، پس از بیان همین مقدمه، این است که در آغاز، یکایک صفات زشت را هریک به نام یکی از بیماریهای جسم بشمار درآورده، پس از آن صفات پسندیده را هریک به نام یکی از داروهایی که در مبارزه با امراض جسم بکار میرود، معدود ساخته و از آن معجون را بهم رسانیده و دستور پرهیز و کیفیت آن داروها را در داده و در آخر بعضی از آثار و نتایجی که از آن حاصل میشود، ابراز میدارد.

معرفی نسخه

مظهرالاسلام، ترجمه و شرح طب القلوب را با بیتی از حافظ «همت بدرقه راه کن ای طایر قدس» آغاز کرده و سپس به ستایش پروردگار و نعت رسول اکرم (ص) و معرفی مؤلف پرداخته است: «ثنای فراوان خداوند عالمیان را سزاست که منعم علی الاطلاق و معبود بالاستحقاق است» و کتاب نیز با درود بر خاتم پیامبران، محمد مصطفی و ذکر صفات و مراتب بزرگی او پایان میپذیرد: «يا أرحم الراحمين و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين».

این رساله مختصر که در کمتر از ده صفحه نگارش شده، محتوای ارزشمند و پرمایه‌ای را در زمینه عرفان و تصوف اسلامی در خود جای داده است. اندکی پس از نگارش این رساله، یکی از منسوبان و پیروان این طریقت و مرجع فتوا و تدریس در سقز کردستان به نام شیخ فخرالدین مظهر، ملقب به مظهرالاسلام به ترجمه و شرح این رساله پرداخت؛ که مبنای مطالعه و بررسی این پژوهش میباشد. نسخه ترجمه و شرح این رساله در صدودوازده صفحه و قریب دو هزار سطر، نگارش شده است که مشتمل بر یک مقدمه از مترجم و شارح و سپس مقدمه نویسنده و متن اصلی که در سه بخش تنظیم شده است و در هر قسمت به یکی از مراحل درمان و تهذیب قلب، پرداخته است: در بخش اول ردیلهای اخلاقی (امراض قلب) را که در متن اصلی رساله بصورت ترکیبهای وصفی پی‌درپی آمده است و هرکدام را به یکی از بیماریهای جسم، تشبیه کرده، به شصت‌ونه ردیلت اخلاقی، شماره‌گذاری کرده است. ردیلهای اخلاقی همانند: محبت دنیا، جهل، گرانخیزی، رشک، بخل، طول امل آرزوی بلند، (حُب ریاست و جاه‌طلبی، خیانت، عیبهای معنوی، گناه، ترک حمد و ثنا، الفاظ کفرآلود، نافرمانی و سرکشی، ترک شکر، بغض، عداوت، اخلاق زشت، نگاه کردن پی‌درپی، حسد، تکبر، کینه، ترک دعا، ترک اندیشیدن، ترک ذکر، ترک واجبات، ترک طاعات، عجب، غفلت از شکر ایمان، جزع و بی‌تابی هنگام نزول بلا، مشغله در کار عبث، متابعت نفس، لغوگویی، ترک حج، ستمکاری، بدخویی، طمع، ذم و بدگفتن مردمان، شهوترانی،

دروغ، سخن‌چینی، پیمان‌شکنی، ربا، ربا، ترک روزه، سرزنش دیگران، قطع رحم، ترک زکات، ترک صدقات، کینه-توزی، بدگمانی، علقه‌دنیوی، نفاق، عناد، فراموش کردن نعمت خداوند، ترک حسنات، ترک اخلاق نکوهیده، غیبت، ترک نماز، اهمال در کسب حلال، خوردن مال حرام، حرص، غفلت، افترا و سپس به ترجمه و شرح آن به کمک آیات و احادیث و کلام عارفان پرداخته است.

ویژگیهای نگارشی و رسم‌الخطی

آشنایی با یک اثر، پدیدآورنده آن و دستیابی به جنبه‌های هنری و ادبی و محتوای آن ایجاب میکند که آن اثر از سه منظر فکر و زبان و ادبیات بررسی گردد و اقبال و رویکرد نویسنده به هر کدام از این موارد با شواهد برگرفته از دل متن نمایانده شود. «برای آنکه بتوانیم متنی را از لحاظ سبک‌شناسی تجزیه و تحلیل و بررسی کنیم، باید روشی داشته باشیم؛ یکی از ساده‌ترین و درعینحال عملی‌ترین راهها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات دقت کنیم تا بدین‌وسیله بتوانیم به اجزای متشکله متن، اشرافی پیدا کنیم و ساختار متن را با توجه به اجزا با یکدیگر دریابیم» (سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳).

کتاب ترجمه و شرح طب‌القلوب، مانند اکثر دیگر آثار، بلحاظ سبکی دو بخش دارد: دیباچه یا مقدمه و متن اصلی، در مقدمه کتاب که پیشانی کتاب است، نویسنده میکوشد با زبان هنرنمایی کند. در مقدمه ترجمه و شرح طب‌القلوب نیز بوفور، با کاربرد واژه‌ها و عبارات عربی و نیز کاربرد ترکیبات وصفی و اضافی پی‌درپی، استفاده از آیات و احادیث، کاربرد سجع و جناس، مبالغه، کاربرد مترادفات و اطناب و کاربرد ترکیبات عربی مواجه هستیم. بالینحال بمحض اینکه نویسنده از مقدمه فارغ میشود و به متن اصلی کتاب میپردازد، زبان موجز و رساست و نشانی از پیچیدگیهای زبانی نیست، الا اینکه همچنان وجود واژگان عربی بوفور مشاهده میشود. زبان در این بخش ساده و روان است.

نثر مظهرالاسلام در ترجمه و شرح طب‌القلوب، پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و بسبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگیهای خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجاکه این اثر منشور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب بحدی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب مبرهن است. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منشور متعدد، اقوال مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، و اشتقاق در کتاب بوفور بچشم میخورد که برای نمونه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

سطح زبانی

نفوذ ساختار و واژگان زبان عربی در بیشتر آثار این دوره، بچشم میخورد و کتاب ترجمه و شرح طب‌القلوب نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بگونه‌ای که در بیشتر بخشهای کتاب، نفوذ زبان عربی را هم در ساختهای زبانی و هم در ساحت واژگان و ترکیبات شاهد هستیم؛ بنابراین بارزترین مختصه زبانی این اثر کثرت استعمال واژه‌ها و ترکیبات و اصطلاحات عربی و آیات قرآن، همچنین استفاده از شعر است.

ویژگیهای صرفی

برخی از مهمترین ویژگیهای صرفی ترجمه و شرح طب‌القلوب به قرار زیر است:

- کاربرد واژگان و مفردات، جملات، عبارات، ترکیبات، اسماء، مصادر و صفت تفضیلی: استیلا، تکلف اجتناب، زهدات، انابت، انفعال، ندامت، نفسانیه، مذکوره، مستدرج، متفکران را بر بسیاری از خزائن الهیه و مشکوت انوار قدسیه مطلع ساخته و از حسیض نقصان به اوج کمالشان ارتقا خواهد داد (طب القلوب: ص ۲۱).

و بیماریهای مذکوره را در نزد حکمای ربانیه و عرفای رحمانیه به داروهای مخصوص آنها علاج کنید (همان: ص ۳۹).

نه اینکه معاذالله بخل از جانب مبدأ فیاض تعالی شأنه عن ذلک علواً کبیراً بعضی از عباد را دور (همان: ص ۳۸).
-مطابقت صفت و موصوف در تأنیث

آن همه تعالیم اخلاقی و اجتماعی و دیگر مقررات شامخه دین اسلام زیر هزاران پرده‌های خرافات و موهومات مستور مانده است و در مقابل بجای آنها لامذهبی و یک رشته عادات سخیفه و بدعتهای غیرمرضیه متداول گردیده (همان: ص ۵).

- کاربرد فراوان وجه وصفی
سنگ مثانه مجرای بول او را گرفته و راه خروج شاش را مسدود ساخته و به استراحت و تندرستی او خلل وارد آورده باشد (همان: ص ۲).

- کاربرد فعل مجازی
افعالی مانند «نمودن» و «گردیدن» در معنای مجازی بمنظور جلوگیری از تکرار افعال که توسط نصرالله منشی در کلیله و دمنه آغاز شده بود و تا امروز نیز رواج دارد (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۲۸۹) در این اثر فراوان است. برای نمونه:

جهل و نادانی عالم را فرا گرفته و آثار معاصی جهان را تیره و تار نموده (همان: ص ۴).
بدعتهای غیرمرضیه متداول گردیده (همانجا).

- کاربرد تالی تأنیث
تغییر صفات ذمیمه و اکتساب اخلاق فاضله و قطع علاقه دنیویه و رضایات شاقه صعبه و مجاهدت بالنفس (همان: ص ۷).

- کاربرد نشانه جمع مؤنث سالم «ات» برای کلمه فارسی
مجاهدت بالنفس طبق دستورات و آئین شریعت غراً (همان: ص ۷).
و دستورات او را بکار برده (همان: ص ۱۱).

- کاربرد «بد» که شکل قدیمی «به» حرف اضافه است (دستور زبان، گیوی و انوری: ص ۲۱).
اوقات خود را صرف در تهیه زاد آخرت نموده و بدان می‌پردازد (طب القلوب: ص ۱۵).

و بدین تدبیر القای خیالات فاسده، نفس را بر دل خود بستی (همان: ص ۵۹).
- استفاده از «ذال» فارسی چه ربطی به مثالها دارد؟

و منت‌گذار محروم مانده‌ایم (همان: ص ۱۱).
گلبن معطر امانت‌گذاری خواهد شد (همان: ص ۱۸).

ویژگیهای نحوی

مهمترین ویژگیهای نحوی ترجمه و شرح طب القلوب نیز به قرار زیر است:

- ذکر توصیفات پی‌درپی

حسن ترکیب و شیرینی ترتیب آن مستلزم نشر این سعادت در میان خواص و عوام بود (همان: ص ۱) و ما را از امت سید و مولا و شفیع خویشتن، محمد که رثوف و مهربان و دارای خواهی بزرگ میباشد گردانیده است (همان: ص ۲).

- ذکر جمله‌های معترضه دعایی و توضیحی و تبیینی

- حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌و سلم، دین را نصیحت خوانده (همان: ص ۴).
حجت‌الاسلام غزالی علیه‌الرحمه از حسن رضی‌الله‌عنه روایت کرده که او گفته است (همان: ص ۳۴).
ترک کردن حمد و بجا نیاموردن ثنا است که به ورم زبان و گلو ماند (همان: ص ۱۹).

- آوردن القاب و تعارفات

رسالة طب‌القلوب که از جمله آثار عالم عامل و عارف واصل طبیب ربانی و پزشک جسمانی شیخ محمد علاء‌الدین العمری العثماني النقشبندی است (همان: ص ۱).

- آوردن مترادفات

سپاس و ستایش خدایی راست (همانجا).

شدیدترین عذاب و سخت‌ترین شکنجه و عقابست (همان: ص ۳).

- حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی

و بر دل‌های ما زنگ بسیار و بلا و نادانی و سخن پراکندگی استیلا یافته [است] (همان: ص ۱۱).
شارع مقدس آن را شرک اصغر خوانده [است] و فرموده است (همان: ص ۳۱).
و در میان اجتماع کم‌کم آثار شرع مبین فراموش [میشود] و چراغ آئینی حضرت سیدالمرسلین خاموش میشود (همان: ص ۴).

سطح ادبی

زبان ادبی، زبانی است مخیّـل و تصویری، یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و مجاز و ... است (بیان، شمیسا: ص ۳۸). ساختار بلاغی دربردارنده تمام مؤلفه‌های بدیع معنوی و بیان است. با توجه به اینکه جنبه تعلیمی اثر بر جنبه‌های ادبی آن رجحان دارد، عبارتی متن بیش از آنکه بر ادبیت کلام متمرکز شود، معنامحور است، در نتیجه، مخاطب با حوزه‌های بلاغی خاص مواجه نمیشود، شاخصترین مختصات بلاغی این اثر به ترتیب اهمیت عبارتند از:

تشبیه: در علم بیان «مانندگی یا تشبیه کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه آن دو میتوان یافت» (بیان، کزازی، ب: ص ۱۳) را تشبیه نامیده‌اند. تشبیهات در این متن از منظر گزینش واژگان، قابل توجه است. در گزینش و انتخاب مشبّه‌ها نگرش خاص مظهرالاسلام، مؤثر بوده است. بیش از نیمی از کل تشبیهات این اثر در توصیف مشبّه است بسامد بالای تشبیه بلیغ، نکته قابل بررسی در تشبیهات این کتاب است. تقریباً اکثر تشبیهات، بصورت تشبیه بلیغ است. برای نمونه:

خرابه دل خود را آباد ساخته و در سراچه ضمیر خود شمع محبت خداوندی را برافروخته (همان: ص ۷).

سپس آنها را به غربال شریعت بییز، سپس انگبین توکل را برگیر، یعنی بعلاوه داروی توکل (همان: ص ۵۱).

طب‌القلوب یک رساله عرفانی و اخلاقی است و در بخشهای مختلف کتاب، غالباً از زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و دعوت به کارهای نیک و حفظ ارزشهای اخلاقی، سخن میرود؛ معمولاً در چنین موضوعاتی، سخن گفتن به طریق ایجاز

مناسبت است؛ بعلاوه نویسنده قصد داشته نکته‌ای ارزنده را بعنوان دستورالعمل زندگی به خواننده عرضه کند؛ بنابراین تشبیهات او بشکل بلیغ درآمده‌اند تا با موضوع سخن، سازگاری بیشتری داشته باشند. بعد از تشبیه بلیغ، در طب القلوب، تشبیه مجمل، از بسامد بالایی برخوردار است. «تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد تشبیه مجمل گویند (بیان، شمیسا: ص ۶۸).

غیبت است که به ناخوشی ورم ساق ماند (همان: ص ۳۴).

ترک کردن اخلاق نکوهیده و زدودن آنها است که به مانند مرض قولنج است (همان: ص ۳۴).

بجا نیابردن شکر است که به مرض خنازیر ماند (همان: ص ۲۰).

یکی از مواردی که باید در بحث تشبیه در شرح طب القلوب یاد آور شد، این است که وجه غالب در یک طرف تشبیه، انتزاعی و ذهنی است و این امر سبب می‌گردد تا ذهن مخاطب برای یافتن وجه اشتراک، تمرکز بیشتری داشته باشد.

نقوش همین صفات نکوهیده را به تیشه علم و عمل نتراشد (همان: ص ۳۵).

- در زیر محک شرع چون زر ناب کامل العیار بیرون آمد (همان: ص ۱۳).

در طب القلوب، گاهی دو تشبیه با هم پیوند می‌خورند و دو یا چند تصویر تشبیهی در کنار هم قرار می‌گیرند.

نماز که عمود دین و در کاخ رفیع اسلام، مهمترین پایه آن است (همان: ص ۳۵).

و این آفتی است که خانه دین از آن ویران و آتشی است که کشتزار اعمال از آن سوزان می‌باشد (همان: ص ۳۵).
تضمین: در این اثر از آیات، احادیث، حکایات عرفانی، حکایات تاریخی و اشعار فارسی و عربی بسیار استفاده شده است. ۱۸۹ بیت شعر فارسی و ۵ بیت شعر عربی در متن کتاب آمده است. همچنین از قالبهای مختلف شعری چون تک بیت، رباعی، مثنوی و غزل در متن استفاده شده است. در این اثر مجموعاً ۴۱ آیه قران و ۲۲ حدیث و روایت بکار رفته است و شش حکایت کوتاه و بلند متناسب با موضوع و با جمله «نقل است» و «آورده‌اند» آغاز شده است. مؤلف به دو شکل مطالب را از منابع مختلف نقل کرده است:

الف) نقل اشعار بدون ذکر نام شاعر: بسیاری از این ابیات متعلق به شاعران شناخته‌شده ادب فارسی است:

هر دو گیتی از وجودش نام یافت	عرش نیز از نام او آرام یافت
نور او مقصود مخلوقات بود	اصل معدومات و موجودات بود

ب) نقل اشعار و مطالب دیگر با ذکر نام شاعر یا مؤلف یا مأخذ. مظهرالاسلام در طب القلوب، اشعار بسیاری از شاعران بزرگ با ذکر نام سرایندگان آن ذکر کرده است. بخش اعظم این اشعار، اشعار منتخبی از مولانا، عطار، حافظ، و سعدی بوده که به فراخور حال و هوای متن از آنها بهره برده است که در ادامه به چند نمونه اشاره میشود: شیخ عطار قدس سره فرمود:

تو مکن چندان قیاس ای حق شناس	ز آن نیاید کار بی چون در قیاس
چون مگو چون در اشارت نایدت	دم مزن چون در عبارت نایدت
نه اشارت میپذیرد نه بیان	نه کسی زان علم دارد نه نشان
تو مباحث اصلاً کمال این است و بس	تو درو گم شو وصال این است و بس

از این رو حافظ گفته:

در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسی است آن به کزین گریوه سبک بار بگذریم

تلمیح به آیات و احادیث: تقریباً در هر صفحه طب‌القلوب، تلمیح و تضمین به آیات قرآن و احادیث وجود دارد و یا مفهوم حدیث یا آیه‌ای بیان شده است. این ویژگی از مهمترین خصوصیات طب‌القلوب است. در این اثر، کاربرد آیات و احادیث بگونه‌ای است که اگر از متن حذف شوند، جملات و معانی آن ناقص میشود. معنی همین جمله از آغاز و *أَعْلَمُو إِخْوَانِي إِنَّ جُنُونََ حَبِّ الدُّنْيَا* تا اینجا این است (همان: ص ۳۷). که رستگاری و سعادت در هر دو سرا منوط به پیروی از آن برگزیده است که در دبیرستان *أَدَبِي رَبِّي فَأُحْسِنَ تَأْدِيبِي* تعلیم و تربیت یافته و برحسب *إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ* به اعلا مرتبه مکارم اخلاق رسیده و به مقتضای *كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ* متخلق به اخلاق الله گردیده است (همان: ص ۵۱). از جمله مسائل مهم در طب‌القلوب، اشاره به احادیث یا آیات است که در هر کدام نکته‌ای نغز، نهفته و میتوان بعنوان تلمیح در نظر گرفت:

پس بیقین بهترین شرابشان، حمیم و خوشترین مأوايشان جحیم است (همان: ص ۴).
و او مرکز ظهور رحمت حق برای آفریدگان تازه و کهنه میباشد؛ یعنی خلق اول و آخر که دنیا و آخرت است (همان: ص ۲)

طنابهای خیمه افکار خود را از کشتزار دنیا برکنده (همان: ص ۱۷).

کنایه: کنایات این اثر، عمدتاً روشن و واضح است. در طب‌القلوب خواننده با گونه‌های رمز روبرو نیست، بلکه بیشتر کنایات از گونه ایما میباشد که معنای آنها صریح و خالی از پیچیدگی است. در این اثر کنایه‌هایی که بصورت فعل و ترکیبات فعلی ساخته شده‌اند از بسامد بالایی برخوردارند:

دیگری گفته وای برای دلی که به کرشمه لذات فانیته دنیا، از جا برود (همان: ص ۵)، بجای ناراحت شود.

پای بند همین عالم خاکی گردیده (همان: ص ۳۷)، بجای دنیا.

دستگیری افتادگان (همان: ص ۶)، بجای کمک کردن.

و دم به دم آتش شهوت را دامن زده (همان: ص ۲۶)، بجای به دنبال شهوت رفتن.

سجع: سجع یکی از آرایه‌های لفظی است که با قرینه‌سازی واژه‌های پایانی دو یا چند جمله از نظر حرف آخر کلمه یا وزن و یا هر دو، در کلام، موسیقی ایجاد میکند و در زیبایی‌شناسی آوایی نثر عاملی مهم محسوب میشود. سخن موزون باعث ایجاد هیجان در مخاطب میگردد و علاوه بر آنکه عاطفه و احساس او را تحریک میکند در انتقال معنا و محتوای اثر نیز مؤثر است. یکی از ویژگیهای سبکی طب‌القلوب این است که سجعها معمولاً برگرفته از آیات و روایات است:

سپاس و ستایش خدایی را است که پادشاه بی‌زوال و دانای بی‌مثال است (همان: ص ۱)

ایشان را شدیدترین عذاب و سختترین شکنجه و عقاب است (همان: ص ۳).

پس بیقین بهترین شرابشان، حمیم و خوشترین مأوايشان جحیم است. (همان: ص ۴).

یکی دیگر از شیوه‌های کاربرد سجع در طب‌القلوب، «استفاده از کلمات مسجع در کنار هم و در جمله‌هایی است که با قرینه مسجع پایان مییابد که باعث شکلگیری صنعت تضمین‌المزدوج و ازدواج میشود» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۸).

از موائد فوائد آن، بهره حاصل نبود (طب‌القلوب: ص ۱).

خود به کرم عمیم و فضل عظیم خود، درود و ثنایی که سزاوار به مقام آن حضرت باشد (همان: ص ۶۶).
 تا موارد همین انعام عام و آثار و برکات آن قدوة انام شامل حال خواص و عوام باد (همان: ص ۱).
مراعات نظیر: توجهی که مظهرالاسلام به ایجاد تناسب در متن رساله خود نشان داده، بسیار است و اغلب این تناسب ساده و طبیعی بوده و معمولاً هم در جهت لفظ است و هم معنا:
چشم را برای **بینش** به شما داده، پس چرا **نمیبینید** حقیقت را؟ (همان: ص ۳).
چه اگر **دزد**، **کالا** را **رباید**؛ **دروغگو**، **عقل** را از طرف **ربوده** (همان: ص ۲۹).
چه حقیقت **ذکر** در نزد عارفان، **فنا**ی **ذاکر** در **مذکور** است (همان: ص ۸).
تضاد: صنعت تضاد بنوعی بازی با واژه‌هاست و از خانواده تناسب محسوب میشود. این صنعت بوفور در متن رساله بکار رفته؛ تا جایی که در یک صفحه کامل، تقریباً در همه سطور آن، شاهد استفاده از این صنعت هستیم:
 گواهی ندادن **حق** و گواهی دادن **ناحق** و تصدیق **باطل** و تکذیب **حق** (همان: ص ۲۹).
 مع‌هذا او **روز** و **شب** در تلاش و زحمت برای افزایش مال میباشد (همان: ص ۳۶).

سطح فکری و محتوایی

با بررسی ترجمه و شرح طب القلوب میتوان گفت که تمرکز و نوآوری مظهرالاسلام، در ترجمه و شرح این اثر، بیشتر معطوف به محتوا و تفکر حاکم بر اثر است. میتوان گفت این نثر ادبی - عرفانی از جنبه‌های مختلف، مفید و احیا و نشر آن لازم و شایان توجه است. نویسنده با کاربست شیوه تمثیل، امراض قلبی به بیماریهای جسمانی که با آگاهی کامل و اشرافیت بر موضوعات گیاه‌شناسی و دارویی و نیز مسائل روانشناسی همراه بوده، مبتکر طرحی نو و جدید است و سبک شخصی وی را از دیگر نویسندگان عارف مسلک، متمایز ساخته است. این اثر از دو منظر هنوز کاربردی است؛ یکی اینکه در زمینه طب سنتی، اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار میدهد و دیگر اینکه برای سالکین و روندگان طریق، کارگشا و راهنماست. رساله طب القلوب اثری صوفیانه و اخلاقی است. نگارنده رساله طب القلوب و مترجم آن، از عالمان و پیران طریقه نقشبندیه میباشد و بالطبع این رساله بسیار متأثر از ادبیات و اندیشه‌های صوفیانه و آموزه‌های دین و اخلاق اسلامی است و چنانکه پیداست بمنظور تعلیم افراد در جهت زدودن زنگارهای غفلت و علاج امراض قلبی، با تشبیه بیماریهای باطنی مثل تکبر و حسد به امراض جسمانی، راهکارهای عملی شفای دل و صفای باطن را به سالکین ارائه داده است. مشرب عرفانی نویسنده و طریقت منسوب به او بر مبنای تمسک به شریعت اسلام و اتباع سنن سیدالمرسلین است؛ بنابراین انجام واجبات و ترک منهیات و محرمات در صدر تعالیم مندرج در این رساله قرار دارد. وی کلیتاً محرمات و ردایب اخلاقی را در شمار بیماریهایی میداند که قلب و روان را به فساد و تباهی میکشانند. اهتمام نویسنده در نقش مرشد و پیری روشن ضمیر، رساندن بندگان خدا به قلب سلیم و نفس مژگی است. یکی از اندیشه‌های محوری این اثر، آن است که بیماریهای قلب (اخلاق ذمیمه) پرده‌ای است ظلمانی که مانع از اشراقات انوار الهیه و عایق فیوضات رحمانیه و مانع درک لذات روحانیته است. توبه و انابت و رعایت ورع و تقوی را در حکم دارویی میداند که موجب رضایت الهی و مشاهدات انوار است.

از دیگر اندیشه‌های مرکزی که موافق زهد صوفیانه و مسلک عرفان شرقی و اسلامی است، همانا ترک دنیا میباشد. وی دنیا و عالم ناسوت را در حکم زندان روح میداند و از آن به «زندان ناسوت» تعبیر میکند. در کنار زهد و بیان نقش آن در سلوک، حالات و تجارب عارفانه نیز حضور دارد؛ مضامین عرفانی همچون خوف، خشوع، تواضع، رضا،

دوام و استقامت، محبت الهی، جمال لایزال، انوار الهیه، عالم قدس، وصل، تجلی، قرب، یقین، توکل و صبر. سایر مقامات عرفانی همچون طلب، توکل و مراقبه از دیگر مراتبی است که در رساله بدانها اشاره و توصیه شده است. نکته شایان ذکر دیگر در تحلیل محتوا و توصیف رساله، آن است که در متن موردنظر ۴۱ مورد آیه قرآن کریم، ۲۲ مورد حدیث نبوی و بزرگان دین، ۳۲ نوع فضیلت اخلاقی، ۶۹ نوع ردیلت، ۶۹ گونه بیماری و ۴۱ نوع داروی گیاهی ذکر شده است.

این رساله در سه بخش مجزا، تدوین و به اصطلاح متدیک و روشمند به زبان فارسی نگارش یافته است و حاوی اشعار فارسی و عربی است که این ویژگی در کنار کاربرد فراوان از آرایه‌های بدیعی و بلاغی، به کتاب جلوه‌ای ادبی داده و نثر آن بویژه در مقدمه کتاب موزون است. کهنگی زبان متأثر از متابعت نویسندگانه از اقوال مشایخ گذشته و گفتارهای عرفانی است. استشهاد به احادیث نبوی و آیات در متن، ادامه شیوه نگارش گذشتگان بویژه از دوره صفویه میباشد. محتوا و مضامین کلی اثر، شامل ردایل و فضایل اخلاقی است که شیوه تشبیه و تمثیل را بکار برده و هر ردیلت را به یک نوع بیماری و هر نوع فضیلت را به یک دارو تشبیه ساخته تا تقریب به ذهن خواننده گردد. هر ردیلت در واقع یک نوع بیماری قلب، تلقی شده که میتواند مانع از لذات روحانی و ادراک مشاهد رحمانی گردد. فضایل اخلاقی را بعنوان پادزهر سموم ردایل، آورده و آنها را به یک گیاه و داروی شفابخش تشبیه نموده است. محتوای این رساله، هر خواننده‌ای را بر وقوف و آگاهی کامل نویسنده طب‌القلوب بر این دانشها قانع میسازد.

دل‌باختگی به پیامبر

با مطالعه ترجمه و شرح طب‌القلوب بوضوح میتوان به این نتیجه رسید که مظهرالاسلام، ارادت ویژه‌ای به پیامبر دارد. در جای جای متن، شاهد تنوع در استفاده از اسامی، القاب و عناوین مختلف پیامبر (ص) هستیم. نویسنده به تناسب موقعیتها و شرایطی که پیامبر در آن قرار دارد و فضای متن ایجاب میکند بر سر شوق می‌آید و ارادت قلبی خود را به او ابراز میکند. بگونه‌ای که خطمشی فکری خود را در پیروی از احکام شریعت و سنن سیدالمرسلین آشکار میسازد. حضور این خطمشی با کاربرد فراوان آیات و احادیث نبوی نیز آشکار است. -به نام خداوند بخشنده مهربان. سیاس و ستایش‌خدایی راست که پادشاه بی‌زوال و دانای بی‌مثال است؛ آنکه زنده میکند استخوانهای پوسیده را و آسمانها و اقلیمهای جهان را آفریده است... و ما را از امت سید و مولا و شفیع خویشتن، محمد که رؤف و مهربان و دارای خواهی بزرگ میباشد گردانیده است. (همان: ص ۲).

-نای فراوان خداوند عالمیان را سزاست که مُنعم علی‌الاطلاق و معبود بالاستحقاق است و درود بی‌پایان، پیغمبر آخر زمان را شایسته است که متمم مکارم اخلاق و آفتاب هدایت در همه آفاق است (همان: ص ۱).

نویسنده عشق و ارادت خود را به پیامبر، با بکار بردن القاب و عناوین مختلف، نشان داده است: حضرت سیدالمرسلین (همان: ص ۳)، حضرت محمد عربی (همان: ص ۴۱)، حضرت رسالت‌پناه (همان: ص ۴۹)، حضرت رسالت‌مآب (همانجا)، حضرت سید العجم و العرب (همان: ص ۶۹)، حضرت خاتم‌النبیین (همان: ص ۶۵).

عرفان، تصوف و سیر و سلوک

بخش عمده منظومه فکری «ترجمه و شرح طب‌القلوب» را اعتقادات «مظهرالاسلام» در حوزه تصوف و سیر و سلوک عارفانه شکل داده است. مظهرالاسلام بعنوان یکی از کسانی که در مسیر عرفان و تصوف نیز سلوک کرده، چکیده و عصارة دریافت خود و تلقی عصر خویش را از عرفان در کتاب خود گردآورده است و توانسته تلقی و تصور

عرفان را در عصر کنونی به ما نشان بدهد. امر به معروف و نهی از منکر زاهدانه، بخشی از تفکر نویسنده را در این رساله نشان میدهد: منهیاتی همانند محبت دنیا، آرزوی دراز، نافرمانی و سرکشی، ترک ذکر، متابعت نفس، غفلت، جزع و بیتابی هنگام بلا، تن‌پروری و شهوترانی؛ معروفات زاهدانه‌ای همانند انابت، توبه، زهد، تقوا، ذکر، اطاعت، عزلت، تهلیل، مجاهده با نفس، خاموشی و گریستن. این نگرش زاهدانه یادآور زهد قرون اولیه هجری و زهدورزی عرفای خراسان است. در کنار زهد و بیان نقش آن در سلوک، حالات و تجارب عارفانه نیز حضور دارد؛ مضامین عرفانی همچون خوف، خشوع، تواضع، رضا، دوام و استقامت، محبت الهی، جمال لایزال، انوار الهیه، عالم قدس، وصل، تجلی، قرب، یقین، توکل و صبر. مؤلف در بیان همه این مراحل و برای ملموس و عینی کردن تجارب و دانش روحانی خویش، همه‌جا آن را با دانش طب جسمانی آمیخته است و بر داشتن پیر و مرشد بعنوان اطبای روحانی تأکید میکند.

آگاهی نویسنده از علم طب

شیخ علاء‌الدین علاوه بر خدمات علمی و عرفانی و سیر و سلوک و تربیت هزاران مرید و طالب علم، علاقه‌مند به علم طب، گیاه‌شناسی، داروسازی و روانشناسی بود و در کسب این علوم به مطالعات فراوانی پرداخت و اطلاعات و تجارب ارزنده‌ای کسب کرد؛ بطوریکه به مداوای همه‌گونه بیماران روحی و جسمی میپرداخت (تاریخ مشاهیر کرد، روحانی: ص ۳۵۱). وی نام گیاهان و داروها را در طب به زبانهای عربی، فارسی، یونانی، هندی و کردی، با انواع مختلف لهجه‌ها میشناخت (یادی مه ردان، مدرس: ص ۳۴).

با بررسی ترجمه و شرح طب القلوب پیرامون اصطلاحات پزشکی، نکات قابل توجهی بدست آمده است. مؤلف به بعضی از بیماریهای عمومی در رساله خود اشاره کرده است. هرچندکه هدف اصلی نویسنده، شرح و تبیین نکات عرفانی و تعلیمی بوده، با استفاده از اصطلاحات پزشکی توانسته است به شرح و تبیین مطالب عرفانی بپردازد. نویسنده بعضی مباحث طب، همچون مزاجها و اخلاط را در لابلای نوشته‌های خود بکار برده است. او روش درمان و تشخیص بعضی از بیماریها را متذکر شده و در ترجمه و شرح طب القلوب، نام بسیاری از بیماریها همانند آبله، خناق، امتلا، و استسقا را میتوان مشاهده کرد. همچنین به بعضی روشهای سنتی درمان بیماریها اشاره کرده است. مظهرالاسلام در بعضی از قسمتهای رساله خود از کتاب طب بوعلی، بهره برده و با بررسی نوشته‌های او متوجه میشویم که در کاربرد اصطلاحات پزشکی به کتاب قانون بوعلی نظر داشته است.

ویژگی منحصر بفرد اثر در بررسی محتوایی و فکری اثر

ویژگی منحصر بفرد اثر که آن را از بقیه آثار هم‌تراز اخلاقی و عرفانی متمایز میکند، آن است که نویسنده علاوه بر اینکه یک پیر و مرشد طریقت نقشبندی یا طبیب رتانی است، بر علم طب، گیاه‌شناسی، داروسازی آگاهی دارد و یک طبیب جسمانی است که به مداوای بیماران میپرداخته؛ این مهارت، تأثیر مستقیم در شیوه بیان و سبک نویسندگی و بیان محتوای فکری اثر داشته است. بهره‌گیری وی از این دانشها برای تشریح ردیلتها و فضیلتهای اخلاقی که وی از آنها بعنوان بیماریهای قلب و درمان آن یاد میکند و تشبیه هریک از آنها به بیماریها و درمان جسمانی آن، راهکاری عملی و ملموس را پیش پای سالکان طریق تهذیب میگذارد و ارتباط بی‌چون و چرای امراض جسمانی و روحی را که در علم پزشکی امروز هم به اثبات رسیده، بر خوانندگان آشکار میسازد.

نتیجه‌گیری

«طب‌القلوب» نسخه‌خطی ارزشمند در عرفان و تصوف با نثری ساده است که با قلم شیخ علاءالدین نقشبندی به زبان عربی به نگارش درآمده و مظهرالاسلام آن را به فارسی ترجمه کرده و هنوز چاپ نشده است. موضوع کتاب در رابطه با مراحل سلوک و تهذیب قلب از رذایل اخلاقی است. درحقیقت موضوع اصلی این رساله را میتوان با معیار و سنجۀ ادبیات عرفانی و دینی تبیین و بررسی کرد. نثر کتاب پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و بسبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگیهای خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجاکه این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب بحدّی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب، مبرهن است. استشهد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد، در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، و اشتقاق در کتاب بوفور بچشم میخورد. پس با نگاهی جامع، میتوان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این نسخه‌خطی نگریست. با بررسی‌های انجام شده در دستگاههای آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی به این نتیجه میرسیم که مظهرالاسلام بیشتر درصدد بیان مضمون بوده است تا درگیر شدن در فن‌نویسندگی.

از دیدگاه ساختار زبانی باید گفت نویسنده در رسالۀ خود کوشیده است از زبان گذشتگان و رویۀ زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند؛ از این رو از کاربردهای قدیم زبان، استفاده کرده است. با عنایت به مطالعات انجام‌شده و استخراج ویژگیها و ارزشهای سبکی (زبانی، ادبی و فکری) میتوان گفت این نثر ادبی - عرفانی، از جنبه‌های مختلف مفید و احیا و نشر آن لازم و شایان توجه است. نویسنده با کاربست شیوۀ تمثیل، امراض قلبی به بیماریهای جسمانی که با آگاهی کامل و اشرافیت بر موضوعات گیاه‌شناسی و دارویی و نیز مسائل روانشناسی همراه بوده، مبتکر طرحی نو و جدید است و سبک شخصی وی را از دیگر نویسندگان عارف‌مسلک، متمایز ساخته است. این اثر از دو منظر، هنوز کاربردی است؛ یکی اینکه در زمینه طب سنتی، اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار میدهد و دیگر اینکه برای سالکین و روندگان طریق، کارگشا و راهنماست.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر استخراج شده است. سرکار خانم دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم آمنه کمالی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سیدجعفر حمیدی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Arianepour, Yahya. (2003). Az Saba ta Nima. Tehran: Zavvar, p. 50.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1995). Stylistics, Tehran: Amirkabir, p. 289.
- Givi, Hassan and Anvari, Hassan. (1996). Persian grammer, Tehran: Fatemi Institute, p. 21.
- Kazzazi, Mir Jalaluddin. (2011). Bayan, ninth edition, Tehran: Mad, p. 13.
- Mazhar al-Din, Fakhr al-Din. (nd). Description and translation tebbolqolob, manuscript of the personal library, unpublished.
- Modarres, Abdul Karim. (2000). Yadi Meh radan, Sanandaj: Kurdistan Publications, p. 34.
- Naqshbandi, Alaeddin. (1989). Resalahe tebbolqolob, Baghdad: personal library.
- Rouhani, Babamardokh. (2012). History of Kurdish celebrities. vol. 8, Tehran: Soroush, p. 351.
- Shamisa, Sirus. (2008). Bayan. third edition, Tehran: Mitra, pp. 38 & 68.
- Shamisa, Sirus. (2007). Stylistics, Tehran: Mitra, p. 153.

فهرست منابع

- از صبا تا نیما، آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲) تهران: زوار.
- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) چاپ سوم، تهران: میترا.
- بیان، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۹) چاپ نهم، تهران: ماد.
- تاریخ مشاهیر کرد، روحانی، بابامردوخ (۱۳۹۰) ج ۸، تهران: سروش.
- دستور زبان فارسی، گیوی، حسن و انوری، حسن (۱۳۷۵) تهران: مؤسسه فاطمی.
- رساله طب القلوب، نقشبندی، علاء‌الدین (۱۹۸۹ م) بغداد: کتابخانه شخصی.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۷۳) تهران: امیرکبیر.

سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) تهران: میترا.
شرح و ترجمه طب‌القلوب، مظهرالدین، فخرالدین (بی‌تا) نسخه خطی کتابخانه شخصی.
یادی مه‌ردان، مدرّس، عبدالکریم (۱۳۷۸) سنندج: انتشارات کردستان.

معرفی نویسندگان

آمنه کمالی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

(Email: dan.a.kamali@iaubushehr.ac.ir)

شمس‌الحاجیه اردلانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

(Email: ardalani@iaubushehr.ac.ir : نویسنده مسئول)

سید جعفر حمیدی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

(Email: dr.hamidi@iaubushehr.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Ameneh Kamali: PhD student in Persian language and literature, Bushehr branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

(Email: dan.a.kamali@iaubushehr.ac.ir)

Shamsalhajieh Ardalani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

(Email: ardalani@iaubushehr.ac.ir Responsible author)

Seyed Jafar Hamidi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

(Email: dr.hamidi@iaubushehr.ac.ir)